

نگاهی مفهومی و آماری به روابط همسران از منظر قرآن کریم*

راحله کاردوانی^۱

چکیده:

«خانواده» نهادی مهم و بی‌بدیل و متشکل از اعضا و روابطی است و کارکردهای متعددی را در سطوح فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. یکی از زیرمنظومه‌های ارتباطی در خانواده، زیرمنظومه روابط زوجیتی یا روابط همسران به‌عنوان رکن اصلی تشکیل و نگهداشت آن می‌باشد و در آیات متعددی از قرآن توصیف شده است. این پژوهش با نگاهی مفهومی و آماری، با هدف بررسی نظام روابط زوجیتی در قرآن، با رویکرد کیفی و مبتنی بر تکنیک «تحلیل مضمون»، به بررسی تمامی آیات مربوط و استخراج مفاهیم و مقولات نهفته در آنها اقدام نموده است. نتیجه آنکه روابط زوجیتی در قرآن با دو مقوله کلان «اصول اخلاقی حاکم بر روابط» و «گستره حقوق و تکالیف» قابل توصیف است. مقوله اول، ۱۲ مفهوم و ۶۸ شاهد و مقوله دوم، ۶ مفهوم و ۴۸ شاهد از آیات را دربر دارند. نظام روابط زوجیتی در قرآن نسبت به شاخص «جنسیت» حساس بوده، الگوهای متفاوتی را برای هر یک از زوجین ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها:

روابط زوجیتی / خانواده / زوجین / قرآن کریم / تحلیل مضمون

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2020.56566.2774



مقدمه

نهاد «خانواده» به جهت کارکردهای متعددی که برای فرد و جامعه به همراه داشته، در گستره وسیع زمانی و مکانی - در طول تاریخ و در جوامع مختلف - مورد ارجاع و اهتمام بسیاری قرار گرفته است. در این نهاد، روابط زوجیتی به جهت آنکه از یک سو پدیدآورنده و از سوی دیگر تعالی‌بخش یا نازل‌دهنده کلیت نهاد خانواده می‌باشد، از اهمیت دوچندانی برخوردار است؛ چرا که «خانواده» کلیت تام و به هم بافته‌ای است که اجزای آن تابعی از یکدیگر و کل پدیده خانواده هستند.

«خانواده» در اسلام رکن طبیعی و اساسی اجتماع محسوب شده و مشتمل بر نظامی از روابط زوجیتی و والدینی است. «نظام» یا «سیستم»، مجموعه‌ای از عناصر تأثیرگذار بر یکدیگر برای ایفای کارکردی مشخص است که هر یک از آنها به اندازه مشخص و به حسب اهمیت و میزان تأثیر آن در درون سیستم، سهم هستند. (محمد خلیفه، ۱۳۷۸: ۴۵) یک نظام از اجزای متعدد درونی‌اش و بر پایه مبانی و اصول پذیرفته و در واقع منظم خود، برای تأمین کارکردها یا اهدافش بهره می‌برد. پس هر نظامی، بر مبنای اهدافی که برای خود ترسیم می‌کند، ویژگی‌ها و روابطی متمایز را برای تنظیم اجزایش مناسب‌تر می‌داند.

دیدگاه اسلام در خصوص نظام روابط خانوادگی با رجوع به قرآن کریم قابل تبیین است. بررسی شرایط و احکام مربوط به نظام روابط خانوادگی به‌طور کلی و خرده نظام‌های روابط زوجیتی به‌طور خاص، به دو شیوه و به عبارت دیگر، در دو سطح مختلف قابل انجام است. یک شیوه، تحقیق در «سطح خرد» است؛ به این صورت که یک آیه خاص و یا یک موضوع خرد در گروهی از آیات، مبتنی بر تفاسیر مختلف مورد واکاوی و بررسی قرار گیرد. شیوه دوم، تحقیق در «سطح کلان» است که ویژگی آن، بررسی کلیت آیات قرآن کریم در موضوعی خاص و استخراج آیات مربوط در نظامی از روابط است.

از آنجا که یکی از آسیب‌های جدی مربوط به فهم و بازخورد رویکرد دین اسلام در مسائل زنان و خانواده، به جزئی‌نگری و تک‌نگاشتی در مسائل این حوزه باز می‌گردد، ضرورت انجام تحقیقی در سطح کلان جهت فهم مدل نظام روابط زوجیتی در قرآن کریم دیده می‌شود. استخراج این مدل جز با بهره‌گیری از رهیافت کیفی و رجوع به داده‌های مبتنی و استقرای مدل از آنها قابل انجام نیست. این پژوهش مبتنی بر روش

تحلیل مضامین برجسته که سنجه‌ای غیرمزاحم است و برای تشخیص الگوهای نهفته در محتوای اسناد و متون نوشتاری به کار می‌رود، با اتکای به آیات قرآن کریم به عنوان سند قطعی و مهم‌ترین منبع فهم دیدگاه اسلام، هدف تحلیل نظام روابط زوجیتی در این رویکرد را دنبال می‌کند. بر این اساس، پرسش‌های اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- روابط زوجیتی در قرآن کریم با چه مفاهیم و مقولاتی قابل توصیف است؟
- ۲- کدام سوره‌های قرآن و هر یک با چه فراوانی و مبتنی بر چه مفاهیمی، حوزه روابط زوجیتی را مطرح نموده‌اند؟
- ۳- آیا روابط زوجیتی در قرآن کریم مبتنی بر جنسیت (زنانگی و مردانگی) ترسیم شده و بر مفاهیم متمایزی تأکید می‌کند؟

۱. بررسی پیشینه تحقیق

در گستره مقالات پژوهشی، انواع مختلفی از پژوهش‌های قرآنی در حوزه مسائل خانواده به طور کلی و روابط زوجیتی به طور خاص انجام شده است. شامل:

الف) گروه عمده‌ای از تحقیقات مبتنی بر راهبرد تفسیر موضوعی، در عرصه‌ای خاص از مسائل خانواده، به بررسی آیات و روایات مربوط پرداخته‌اند. مانند مقاله «تأملات اخلاقی-تربیتی پایداری خانواده مبتنی بر آیات و روایات متناظر» از محمداسماعیل قاسمی طوسی که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و با بررسی آیات و روایات متناظر آنها، مهم‌ترین راهکارهای تحکیم و پایداری خانواده را استخراج نموده است. در این حوزه، مقاله «نقش عوامل عاطفی-روانی در تحکیم خانواده از منظر آیات و روایات با رویکرد سبک زندگی اسلامی» از محمدرضا سالاری فر نیز قابل ذکر است که بر اساس روش‌های تفسیری و فهم حدیث در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام انجام شده و با این روش، بخشی از عوامل تحکیم خانواده را استخراج و ارائه نموده است. همچنین از مقاله‌های «سبک زندگی خانواده برتر از منظر قرآن کریم» ساجده العبدلخانی، «مدیریت خانواده در قرآن» محمدهادی عبدخدایی، «نفقه از دیدگاه قرآن و روایات» مهدی بهره‌مند و «نگره قرآن کریم به خویش‌تنداری در رفتارهای خانوادگی» مرضیه محمص ذیل این گروه از پژوهش‌ها می‌توان نام برد که با روش مطالعه اسنادی، به بررسی آیاتی از قرآن کریم در موضوعات «خانواده برتر»، «مدیریت خانواده» و «نفقه» و صفت اخلاقی «خویش‌تنداری» در روابط خانوادگی پرداخته‌اند.

ب) دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که با رویکرد تطبیقی، دیدگاه قرآن را در موضوعی خاص با رویکردهای دیگر مقایسه نموده‌اند. از این نمونه می‌توان به مقاله «سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه قرآن و مدرنیته» نوشته محمد کاویانی اشاره کرد که به مقایسه مبانی کلان نظام خانواده در این دو دیدگاه پرداخته و ورود موردی به آیات حوزه خانواده نداشته است. همچنین مقاله «مبانی اخلاقی رفتار همسران مسلمان از منظر قرآن (با نگاهی به مباحث روان‌شناسی مرتبط)» از محبوبه موسایی‌پور قابل ذکر است که بررسی تطبیقی رویکرد قرآن کریم و روان‌شناسی در حوزه مبانی اخلاقی روابط زوجین را دنبال کرده است.

ج) گروهی دیگر از پژوهش‌ها به‌طور جزئی، موردی خاص از آیات مربوط به روابط زوجیتی را مبنای پژوهش خود در انجام تحقیقات میدانی قرار داده‌اند. مانند مقاله «مقایسه عملکرد خانواده از دیدگاه قرآن (آیه ۲۱ سوره روم) در میان زنان متقاضی طلاق و زنان غیرمتقاضی شهر اراک» نوشته الهه سلیمی و همکاران و مواردی دیگر، که هدف بررسی دیدگاه قرآن در حوزه مسائل خانوادگی را به‌طور خاص دنبال نکرده است، بلکه رویکرد اثباتی برخی از آیات را مدنظر قرار داده‌اند.

آنچه پژوهش حاضر را از دیگر تحقیقات انجام شده متمایز می‌سازد، دو وجه مختلف هدف و پرسش تحقیق، و نیز روش تحقیق می‌باشد، به‌طوری که ارائه ترسیم کاملی از روابط زوجیتی در قرآن کریم، در هیچ یک از پژوهش‌های انجام گرفته تاکنون دنبال نشده است. همچنین استفاده از روش تحلیل تم در راستای فهم الگوی حاکم بر محتوا و ارائه مدلی از مجموعه روابط مفاهیم و مقولات نهفته در آیات، لحاظ نشده است. علاوه بر آن، استفاده از این راهبرد می‌تواند ابعاد مختلفی از روابط زوجیتی در قرآن کریم را به تفکیک سوره‌ها، آیات و گزاره‌های خرد روشن سازد که تاکنون در پژوهشی دیگر ارائه نشده است.

۲. روش تحقیق

مطالعه حاضر در رویکرد کیفی بر پایه تکنیک «تحلیل مضمونی» (Thematic Analysis) انجام شده که برای تحلیل متن، اعم از اسناد موجود و یا داده‌های جمع‌آوری شده توسط محقق کاربرد گسترده‌ای دارد.

در این روش بر اساس تحقیق براون و کلارک (Braun & Clarke) (۲۰۰۶)، محقق با تکنیک کدگذاری (Coding)، به شکستن متن به اجزای کوچک و طبقه‌بندی (categorizing) حجم گسترده‌ای از اطلاعات متنی پرداخته و آشکارسازی لغات، ساختارها و روابط پنهان در متن را دنبال می‌کند. مراحل پیاده‌سازی روش مذکور که در این پژوهش نیز دنبال شده، عبارت است از: ۱- آشنایی با داده‌ها از طریق مشاهده آزاد یا مرور مکرر آنها، ۲- شکستن متن به صورت جمله به جمله و تعیین شواهد مرتبط با هدف تحقیق، ۳- تمرکز بر مفاهیم اصلی شواهد و استخراج آنها، ۴- طبقه‌بندی مفاهیم و استخراج مقولات، ۵- تفسیر و گزارش یافته‌ها.

در مسیر این پژوهش با طی سه گام اصلی، به تحلیل نظام روابط خانوادگی در دیدگاه اسلام پرداخته شد. به این صورت که ابتدا با عرضه موضوع «روابط زوجیتی در خانواده» به قرآن کریم، جمعیت مورد مطالعه (تمامی آیات مربوط به موضوع مذکور) استخراج گردید. در گام دوم، آیات مستخرج بر اساس مضامین مشابه، در دو مرحله کدگذاری گردید تا مفاهیم و مقولات درون‌متنی حاصل شود. در گام سوم، رابطه مفاهیم مختلف با یکدیگر با توجه به محتوای آیات و روابط علی نهفته در آنها مورد تبیین و تحلیل قرار گرفت.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از کدگذاری سند مورد مطالعه، در سه بخش «توصیف یافته‌ها»، «تفسیر یافته‌ها» و «تبیین نظام روابط زوجیتی» ارائه می‌شود. به طوری که ابتدا با ارائه جدول‌هایی، به صورت کیفی و کمی، مفاهیم و مقولات به دست آمده از مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی توصیف خواهد شد. سپس تفسیر این موارد با توجه به محتوای شواهد انجام می‌شود و در انتها با توجه به میزان تکرار، تأکید و نیز روابط علی نهفته در محتوای آیات، نظام روابط زوجیتی در دیدگاه اسلام مبتنی بر شاخصه‌های زنانگی و مردانگی تبیین می‌گردد.

۳-۱. توصیف یافته‌ها

با مرور مکرر آیات قرآن کریم، تعداد ۶۲ آیه از ۱۱ سوره مختلف در ارتباط با روابط زوجیتی استخراج گردید. از کدگذاری این آیات، دو مقوله کلان «اصول اخلاقی

حاکم بر روابط زوجیتی» و «گستره حقوق و تکالیف در روابط زوجیتی» حاصل شد که توصیف کیفی آنها در جدول (۱) ارائه شده است. مقوله اول از ۱۲ مفهوم یا اصل اخلاقی به دست آمد. شامل اصول «تناسب، عدالت، معروف، آرامش و مودت، گذشت، حفظ خانواده، محافظت، مشورت، نهی ضرر، پاکدامنی، رازداری و ساده‌زیستی». مقوله دوم از ۶ مفهوم حاصل شد که هر یک، بخشی از حقوق و تکالیف مطرح شده در مورد رابطه زوجیتی را نمایندگی می‌کنند. این مفاهیم شامل «ازدواج، طلاق، تقسیم کار در خانواده، رابطه جنسی، رابطه مالی و جرایم و مجازات‌ها» می‌باشند.

جدول (۱): توصیف کیفی یافته‌ها

مقولات	مفاهیم	شواهد
اصول اخلاقی حاکم بر روابط زوجیتی	اصل تناسب	تفاوت زن و مرد در توانایی‌ها به لحاظ جنسیت (نساء: ۳۲)
		تهیه مسکن توسط مرد برای همسر باردار مطلقه، به قدر توانایی (طلاق: ۶)
		تناسب توانایی‌های زن و مرد با تکالیف محوله (هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست) (بقره: ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۸۶؛ طلاق: ۷)
	اصل معروف (اصل ارزش‌های فراگیر)	لزوم تراضی نیکو و دوجانبه میان زن و مرد برای ازدواج (بقره: ۲۳۲)
		لزوم گفت‌وگو و پسندیده مردان در خواستگاری از زنان (بقره: ۲۳۵)
		لزوم معاشرت نیکو با زنان در روابط زوجیتی (نساء: ۱۹)
		محکومیت تعلیق زن (لزوم رعایت اصل معروف و رفتار نیکو در زندگی با زنان و یا طلاق آنها به نیکویی در صورت عدم امکان زندگی مشترک پسندیده) (بقره: ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۹؛ طلاق: ۲؛ احزاب: ۲۸، ۴۹)
		لزوم رعایت اصل معروف در پرداخت مهریه زنان (بقره: ۲۴۱؛ احزاب: ۴۹)
		سکون و آرامش، از اهداف ازدواج است (اعراف: ۱۸۹؛ روم: ۲۱)
	اصل آرامش و مودت	خداوند در رابطه زوجیت مودت و رحمت قرار داده است (روم: ۲۱)
		گذشت زنان از دریافت بخشی از مهریه خود به تقوا نزدیک‌تر است (بقره: ۲۳۷)
	اصل گذشت	زوجین هنگام طلاق، گذشت و نیکوکاری در بین خود را فراموش نکنند (بقره: ۲۳۷)

		مطلوبیت گذشت و بخشش مرد از دشمنی‌های همسر و فرزندان (تغابن: ۱۴)
		بهتر است زنان در مواجهه با نشوز و اعراض همسر، صلح و گذشت نمایند (نساء: ۱۲۸)
اصل حفظ خانواده		مطلوبیت اصلاح روابط زوجین در حالت اختلاف و حفظ خانواده - نهاد داوری (نساء: ۳۵)
اصل محافظت		تشبیه زوجین به لباس یکدیگر در روابط زوجیتی (تأثیر همسران بر محافظت یکدیگر از لغزش‌های جنسی) (بقره: ۱۸۷)
اصل مشورت		لزوم مشورت و توافق زوجین در امور مربوط به شیردهی طفل (بقره: ۲۳۳؛ طلاق: ۶)
اصل نهی ضرر و تعدی		ممنوعیت وارد ساختن ضرر و تعدی علیه زنان (بقره: ۲۳۱؛ نساء: ۳۴؛ طلاق: ۶)
		منع مردان از تعلیق عاطفی و جنسی زنان در خانواده به واسطه تعدد زوجات (نساء: ۱۲۹)
		منع بازپس‌گیری مهریه و اجبار به بخشش آن با اکراه زنان به وسیله فشار و تهمت (نساء: ۱۹-۲۰)
		نهی ضرر به زنان به واسطه حق طلاق برای مرد (بقره: ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۹؛ طلاق: ۲؛ مجادله: ۳)
اصل پاکدامنی		توجه به پاکدامنی زنان برای ازدواج (نساء: ۲۴-۲۵؛ مائده: ۵)
		کفویت در پاکدامنی در ازدواج لازم است (نور: ۲۶؛ احزاب: ۳۵)
		دوری از سخن گفتن هوس‌آلود برای تقوا و پاکی (احزاب: ۳۲)
اصل رازداری		توصیف زنان صالح با صفت رازداری و حفظ اسرار خانواده (نساء: ۳۴)
		محکومیت عمل یکی از همسران پیامبر که رازی را نگه نداشت (تحریم: ۳-۴)
اصل عدالت		شرط عدالت در تعدد زوجات (نساء: ۳، ۱۲۹)
		دستور به رعایت عدالت در ازدواج با دختران یتیم (نساء: ۱۲۷)
گستره حقوق و ازدواج		حرمت ازدواج فرد مسلمان با مشرکان (بقره: ۲۲۱)
		حلیت ازدواج زن و مرد زناکار و مشرک صرفاً با یکدیگر (نور: ۳)



تکالیف در روابط زوجیتی	حلیت تعدد زوجات برای مرد با لحاظ شرایط (نساء: ۳)
	بیان گروه‌هایی که ازدواج با آنها حرام است (نساء: ۲۲-۲۴)
	حلیت ازدواج موقت (متعه) (نساء: ۲۴)
	حلیت ازدواج با اهل کتاب (مائده: ۵) و همسر سابق پسرخوانده (احزاب: ۳۷) برای مرد
طلاق	حلیت اصل طلاق (بقره: ۲۲۷؛ نساء: ۱۳۰)
	شرایط عدۀ طلاق و فوت همسر توسط زنان (طلاق: ۱، ۴؛ بقره: ۲۲۸، ۲۳۴؛ احزاب: ۴۹)
	لزوم حضور دو شاهد عادل در جاری ساختن صیغۀ طلاق (طلاق: ۲)
	شرایط مهریه و نفقهٔ زوجه در طلاق (بقره: ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۳۷؛ احزاب: ۴۹؛ طلاق: ۶)
	حق سکونت زن در منزل مشترک تا پایان عده پس از طلاق رجعی (طلاق: ۱، ۶) و تا یک سال پس از فوت شوهر (بقره: ۲۴۰)
	لزوم وجود محلّ بعد از دو طلاق و رجوع، برای حلیت ازدواج مجدد (بقره: ۲۳۳)
	امکان رجوع در برخی از انواع طلاق (بقره: ۲۳۰-۲۳۱) و بیان احکام آن (بقره: ۲۲۸)
تقسیم کار در خانواده	مردان در رابطهٔ زوجیت سرپرست خانواده هستند (قوامون) (نساء: ۳۴)
	زنان ملزم به پذیرش مدیریت مرد بر خانواده و تمکین از وی هستند (فائتات) (نساء: ۳۴)
رابطۀ جنسی	حلیت آمیزش جنسی در روابط زوجیتی (بقره: ۲۲۳)
	حکم آمیزش جنسی در ماه رمضان (بقره: ۱۹۷)
	حکم آمیزش جنسی در حالت اعتکاف در مسجد (بقره: ۱۹۷)
	حکم آمیزش جنسی در حالت احرام حج (بقره: ۱۹۷)
رابطۀ مالی	حکم آمیزش جنسی در حالت عادت ماهیانۀ زنان (بقره: ۲۲۲)
	حق مطلق وجود مهریه برای زنان در ازدواج (نساء: ۴، ۲۴)
	بیان شرایط پرداخت مهریهٔ زنان در موقعیت‌های مختلف (بقره: ۲۳۶-۲۳۷، ۲۴۱؛ احزاب: ۴۹)

		حلیت مصرف مهریه زن برای شوهر صرفاً در صورت گذشت زن از مهریه با رضایت خاطر (نساء: ۴)
		عدم منع پرداخت فدیة از سوی زن برای طلاق گرفتن (بقره: ۲۲۹)
		حق مالی زن در امر شیردهی (بقره: ۲۳۳؛ طلاق: ۶)
		وجوب پرداخت مخارج خانواده توسط مردان (بقره: ۲۳۲؛ نساء: ۳۴؛ طلاق: ۷)
		وجوب تهیه مسکن و تأمین مالی زن مطلقه باردار تا پایان وضع حمل (طلاق: ۶)
		حق مجزای هر یک از زوجین در بهره‌برداری از میراث خود از خویشاوندان (نساء: ۷)
		تعیین سهم ارث زوجین از یکدیگر (نساء: ۱۲) و از فرزندان خویش (نساء: ۱۱)
	جرایم و مجازات‌ها	تعیین شرایط اثبات و مجازات زنان شوهرداری که مرتکب زنا می‌شوند (نساء: ۱۵)
		مراحل مواجهه زوج با نشوز همسر (تذکر، دوری از بستر مشترک، تنبیه) (نساء: ۳۴)
		شرایط اثبات تهمت زنا زدن مرد به همسر خویش (نور: ۶-۷) و شرایط اقدام زن برای اثبات بی‌گناهی خویش (نور: ۸-۹)

توصیف کمی نتایج کدگذاری نیز به تفکیک سوره‌ها و فراوانی آیات، مفاهیم و شواهد به‌دست آمده از آنها در جدول (۲) ارائه شده است. تفکیک آیات از شواهد لازم است صورت گیرد؛ زیرا برخی از آیات از چند شاهد تشکیل شده‌اند که ذیل مفاهیم مختلفی جای گرفته‌اند.

جدول (۲): توصیف کمی یافته‌ها

سوره	مفاهیم در هر سوره (فراوانی شواهد)		فراوانی مفاهیم	فراوانی آیات	فراوانی شواهد
	مقوله «گستره حقوق و تکالیف»	مقوله «اصول اخلاقی حاکم»			



۴۴	۲۱	۱۰	تناسب (۴)، نهی ضرر (۵)، رابطه مالی (۷)، رابطه جنسی (۶)، گذشت (۲)، محافظت (۱)، مشورت (۱)، معروف (۶)	ازدواج (۱)، طلاق (۱۱)	بقره
۳۳	۱۷	۱۲	تناسب (۱)، عدالت (۳)، معروف (۱)، گذشت (۱)، نهی ضرر (۴)، پاکدامنی (۲)، رازداری (۱)، حفظ خانواده (۱)	ازدواج (۶)، طلاق (۲)، تقسیم کار (۲)، رابطه مالی (۷)، جرایم و مجازات‌ها (۲)	نساء
۶	۶	۳	پاکدامنی (۱)	ازدواج (۱)، جرایم و مجازات‌ها (۴)	نور
۱۱	۵	۵	معروف (۳)، پاکدامنی (۳)، ساده‌زیستی (۱)	ازدواج (۱)، طلاق (۲)، رابطه مالی (۱)	احزاب
۱۴	۵	۶	تناسب (۲)، معروف (۱)، نهی ضرر (۲)، مشورت (۱)	طلاق (۵)، رابطه مالی (۳)	طلاق
۲	۲	۱	رازداری (۲)	-	تحریم
۲	۱	۱	آرامش و مودت (۲)	-	روم
۳	۱	۲	پاکدامنی (۲)	ازدواج (۱)	مائده
۱	۱	۱	آرامش و مودت (۱)	-	أعراف
۱	۱	۱	نهی ضرر (۱)	-	مجادله
۱	۱	۱	گذشت (۱)	-	تغابن
۱۱۸	۶۱	-	۶۸	۴۸	جمع

بر اساس این یافته‌ها، بیشترین آیات و شواهد مربوط به روابط زوجیتی (بالغ بر ۶۰ درصد) به ترتیب در سوره‌های «بقره» [با بیشترین توجه به مبحث «طلاق»] و «نساء» [با تمرکز مضمونی بیشتر بر «رابطه مالی» زوجین] مطرح شده‌اند. در این میان اما بیشترین گستره مفاهیم یا تنوع مفهومی در این حوزه، به سوره «نساء» تعلق دارد.

همچنین در سوره «بقره» مقوله «اصول اخلاقی حاکم بر روابط زوجیتی» فراوانی بیشتری دارد و سوره «نساء» فراوانی افزون‌تری را در زمینه «گستره حقوق و تکالیف زوجین» شامل شده است. پس از این دو، سوره‌های «طلاق» [بیشتر در مباحث حقوقی] و «احزاب» [به طور غالب در مباحث اخلاقی] بیشترین فراوانی آیات مربوط به روابط زوجیتی را به خود اختصاص داده‌اند.

۳-۲. تفسیر یافته‌ها

بر اساس داده‌هایی که از متن آیات قرآن کریم استقرا شد، باید گفت ساماندهی روابط زوجیتی در قرآن کریم، اولاً در آیات متعدد و ثانیاً از جوانب مختلفی مورد نظر قرار گرفته است. این امر از یک سو نشان از اهتمام ویژه مکتب اسلام به نهاد خانواده به‌طور عام و روابط زوجین در جایگاه ارکان تشکیل‌دهنده این نهاد به‌طور خاص دارد، و از سوی دیگر، نگرش مسأله‌مند قرآن کریم به این روابط را عیان می‌سازد.

دو جنبه اصلی توجه به این مسأله در قرآن کریم که در حقیقت دو بال تحلیل ارتباط زوجیتی به‌شمار می‌روند، جنبه‌های اخلاقی و حقوقی است که در ارتباطی ممزوج و چندجانبه مورد نظر قرار گرفته‌اند. در این میان، مقوله «اصول اخلاقی» دارای تنوع مفهومی و نیز فراوانی بیشتری است که نشان از وجه غلبه این اصول نسبت به قواعد و ترتیبات حقوقی در نگرش اسلامی نسبت به نهاد خانواده و روابط زوجیتی دارد. این امر در راستای هدف کلانی است که برای تشکیل خانواده و امر زوجیت اعلام داشته است؛ هدف تحقق سکون و آرامش در فرد (اعراف: ۱۸۹) به‌واسطه جعل محبت و مودت در رابطه زوجیتی (روم: ۲۱).

جنبه مهم دیگر در خصوص تفسیر یافته‌ها، به درک روابط مفاهیم مختلف با یکدیگر باز می‌گردد. تمرکز بر محتوای آیات مورد مطالعه نشان می‌دهد که هر اصل اخلاقی خاص در کنار حقوق و تکالیف خاصی مطرح شده است؛ به این معنا که اصول اخلاقی به اطلاق و در فضای مبهمی مطرح نشده، بلکه در کنار هر حق و تکلیف تفویض شده به زن یا مرد، متناسب با این حق یا تکلیف، دستور اخلاقی خاصی مورد تأکید واقع شده است. به‌ویژه آنکه در اعطای حقوقی که امکان سوء استفاده از آنها در افراد بیشتر است، تأکیدات اخلاقی نیز افزایش یافته است. همچنین در برخی از شرایط،



برای تضمین اصول اخلاقی حاکم بر رابطهٔ زوجیتی، از ابزار و سازوکار حقوقی بهره برده است.

در اینجا با تمرکز بر مفاهیم مربوط به مقولهٔ «گسترهٔ حقوق و تکالیف»، به بیان ارتباط آنها با اصول اخلاقی پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱. ازدواج

قرآن کریم در آیاتی چند (نساء: ۲۲-۲۵) به‌طور دقیق، شرایط ایجاد رابطهٔ زوجیتی و گروه‌هایی را که ازدواج با آنها حلال یا حرام است، مطرح نموده؛ شرایطی که بعضاً منحصر به مکتب اسلام بوده و به جدّ اهمیت حفظ برخی از شؤون و روابط در خانواده از شائبه‌های جنسی و هوس‌آلود را خاطر نشان می‌سازد، مانند حکم‌های «حرمت ازدواج با محارم نسبی، سببی و رضاعی»، «حرمت جمع بین دو خواهر در ازدواج»، «حرمت ازدواج با دختر همسر»، «حرمت ازدواج با همسر پدر» و «حرمت ازدواج با زنان شوهردار».

همچنین در مباحث مربوط به ازدواج، بعد از آنکه اصل را بر تک‌همسری قرار داده^۱ و بر حمایت از دختران یتیم و جلوگیری از سوء استفاده از آنها تأکید کرده، بر اساس شرایطی، به حق تعدد زوجات برای مردان اشاره کرده و احقاق این حق را صرفاً در گرو رعایت اصل «عدالت» که البته رعایت آن وجوب شرعی دارد، دانسته است (نساء: ۳). همچنین در جایی دیگر با تأکید مؤکد، تعلیق عاطفی یکی از همسران به جهت میل مرد به دیگری را محکوم کرده و راهکارهای رعایت «صلح» و «تقوا» میان همسران را برای حل و فصل این مسأله پیشنهاد نموده است (نساء: ۱۲۹).

بنا بر دستور قرآن در آیهٔ ۱۹ سورهٔ نساء که می‌فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»، اصل اساسی در رفتار با زوجه، بر مدار معروف و شایسته مطرح شده که این بالاتر از عدالت است؛ زیرا ذیل آیه می‌فرماید اگر چه بر شما معاشرت بر مدار معروف کراهت داشت و سخت بود تحمل کنید (از حقوق خود بگذرید و ایثار نمایید). بنابراین اصل بر رفتار پسندیده است و در این رویکرد، خشنودی و آرامش زن ملاک و میزان است، نه میل و خوشایند مرد.

واژه معروف ۳۸ بار در قرآن آمده که ۱۹ مورد آن به موضوع معاشرت مردان با زنان در محیط خانواده پرداخته و معروف را ضابطه و قانون کلی در معاشرت و روابط

خانوادگی قرار داده است. شیخ طوسی «معاشرت به معروف» را ادای حقوق واجب زن بر مرد دانسته است. (طوسی، ۱۴۰۹: ۱۵۰/۳)

مفهوم و شرایط عدالت در موضوع تعدد زوجات به طوری که هدف نهایی از تشکیل خانواده یعنی مودت و رحمت را نشانه نرود و نیز آرای فقها در این راستا - که متفاوت و بعضاً متعارض است؛ تا حدی که برخی به تقیید تعدد و برخی دیگر به الغای تعدد مگر در وقت ضرورت حکم داده‌اند- به تفصیل توسط برخی محققان مورد بررسی قرار گرفته است. (ر.ک: نقیعی، ۱۳۸۷؛ علمیرادی‌پور روغنی، ۱۳۹۴)

ریشه لغوی عدالت، «عَدَل» یا «عِدَل» می‌باشد که در معنا نزدیک بوده، معادل «برابری، مساوات و همسانی» است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۱/۱۱) این مفهوم در اصطلاح، بیشتر به معنای «میان‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری» است و به اذعان علامه طباطبایی، از حیث مفهومی، بر مدار «مساوات» و اقامه آن میان امور قرار دارد و در جوهر آن دو معنای دیگر قابل استخراج است: الف) قرار گرفتن هر چیزی در جای خود، ب) دادن حق هر صاحب حقی یا دادن هر کسی، آنچه را که به حکم عقل یا شرع یا عرف، سزاوار و شایسته آن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۷/۶-۳۰۱، ۴۷۷/۱۲) در دیدگاه استاد مطهری نیز مفهوم «عدالت» در معانی و کاربردهای «توازن و تعادل»، «تساوی در جایی که شرایط مساوی حاکم باشد»، «تفاوت در شرایط متفاوت»، «دادن حق هر صاحب حقی با رعایت استحقاق در افاضه وجود و حقوق» و «قرار گرفتن هر چیزی در جای خود» به کار رفته است. (مطهری، ۱۳۷۷: ۷۸/۱-۸۴)

۲-۲-۳. طلاق

آیات قرآن در کنار پذیرش امکان حقوقی طلاق و واگذاری حق طلاق به مردان، تأکیدهای اخلاقی متعددی را در اثنای مباحث مربوط به طلاق بیان کرده است. شامل:

الف) در بیان حق مرد در طلاق بر اصل معروف^۲ با مصداق «منع تعلیق زن» تأکید کرده، در موقعیت‌های مختلف (بقره: ۲۲۹، ۲۳۱؛ طلاق: ۲) به این گزاره مهم اشاره می‌کند که شما مردان حق معاشرت غیر نیکو و ناپسند با زنان را ندارید، بلکه موظف هستید یا به خوبی و با رعایت کامل حقوق و اخلاق با آنها زندگی کنید (إمساک بمعروف)، و یا ملزم به رهاساختن آنها باز هم به نیکویی و رعایت حقوق و اخلاق (تسریح باحسان) هستید. از این‌رو کیفیت مطلوب رابطه زناشویی در نگرش اسلامی



بسیار مهم است و نمی‌پسندد که به هر نحوی، رابطهٔ زوجیت را پابرجا نگه دارد و حتی در آیهٔ ۱۳۰ سورهٔ نساء تأکید می‌کند که اگر زوجین راهی برای اصلاح روابط خود نیافتند و از یکدیگر جدا شدند، خداوند هر کدام از آنها را از فضل و کرم خود بی‌نیاز می‌کند؛ به طوری که ترمیم شرایط فرد پس از طلاق و عدم تحمل و تحمیل یک رابطهٔ زوجیتی نامناسب به واسطهٔ ترس از شرایط بعد از طلاق را تضمین نموده است. در این راستا برای جلوگیری از تکرار ازدواج‌های نامناسب، لزوم وجود محلل بعد از دو طلاق و رجوع، برای حلیت ازدواج مجدد را مطرح نموده است (بقره: ۲۳۳).

ب) به طور مجزا و با تأکید مؤکد بیان می‌کند که مردان به واسطهٔ حق طلاق، اجازهٔ ورود ضرر به زنان و تعدی بر آنها در رابطهٔ زوجیتی را ندارند (و لا تمسکوهنّ ضرارا لتعتدوا). در این راستا با رسوم و سنت‌های جاهلی عصر نزول مانند ایلاء (بقره: ۲۲۶) و ظهار (مجادله: ۳) نیز مبارزه کرده، با سازوکارهای حقوقی، مردانی را که در جهت تعدی بر زنان، آنها را به تعلیق جنسی و عاطفی دچار ساخته‌اند، ملزم به رعایت حقوق همسر نموده است.

ج) با وجود پذیرش امکان طلاق، سازوکارهایی را برای حفظ و تحکیم خانواده ارائه می‌دهد، مانند رجوع به نهاد دآوری قبل از وقوع طلاق جهت ایجاد صلح و سازش (نساء: ۳۵)، دعوت زنان به گذشت و صلح در صورت امکان، در مواقع مواجهه با نشوز و اعراض همسر (نساء: ۱۲۸) و گذشت و اغماض مرد از خطاهای خانواده (تغابن: ۱۴).

۳-۲-۳. تقسیم کار در خانواده

قرآن کریم مدیریت کلان نهاد خانواده را حق و تکلیف مردان دانسته (نساء: ۳۴) و در تعدیل این امر، رعایت اصول اخلاقی مشورت (بقره: ۲۳۳؛ طلاق: ۶)، معروف (نساء: ۱۹) و نهی تعدی بر همسر (بقره: ۲۳۱؛ نساء: ۳۴؛ طلاق: ۶) را لازم دانسته است. به‌ویژه آنکه - در راستای احترام به حریم خصوصی خانواده - یکی از حقوق مرد در این نقش، حق مواجههٔ شخصی وی با نشوز زوجه می‌باشد که مراحل آن در آیهٔ ۳۴ سورهٔ نساء مطرح شده است (تذکر، هجر و ضرب)^۳ و در این خصوص امکان سوء استفاده از حق بیشتر می‌گردد. از این رو آیهٔ شریفه بدون فاصله پس از بیان این حکم، خطاب به مردان بر گزارهٔ «فلا تبغوا علیهنّ سیلا» تأکید نموده که شاهدی دیگر در ارتباط ممزوج اصول اخلاقی و گسترهٔ حقوق و تکالیف در رویکرد اسلامی است.

در مقابل نقش مرد، در همان آیه، مدیریت داخلی خانواده به زن واگذار شده و در این راستا بر اصول «لزوم پذیرش مدیریت کلان مرد (قائتات)» و «رازداری و محافظت از اسرار خانواده (حافظات للغیب)» توسط وی تأکید نموده است.

۳-۲-۴. رابطه جنسی

در بیان مسائل جنسی، علاوه بر آنکه شرایط حلیت و حرمت رابطه جنسی زوجین در موقعیت‌های مختلفی همچون اعتکاف، احرام و ماه رمضان را بیان می‌کند، بر چند نکته اخلاقی در این خصوص نیز توجه خاص دارد. مانند آنکه:

الف) به‌عنوان مقدمه حکم حرمت ایجاد رابطه جنسی در دوره حیض (بقره: ۲۲۲)، تأکید می‌کند که شرایط حیض برای زنان یک «اذیت» است. از این رو معلول «حرمت رابطه در این دوره» را به علت «اذیت و ضرری که برای زن به دنبال دارد» ربط می‌دهد و در راستای نهی ضرر، آن حکم را صادر می‌کند.

ب) برای زن و مرد، اصل پاکدامنی در ازدواج را مهم و لازم می‌داند و بر کفویت آنها در این اصل اخلاقی تأکید می‌کند (نور: ۲۶؛ احزاب: ۳۵). در این راستا در گستره احکام، ازدواج با مشرکان را تحریم نموده (بقره: ۲۲۱) و بر حرمت ازدواج مؤمنان با زن و مرد زناکار و مشرک تأکید می‌کند (نور: ۳).

ج) همچنین در راستای اهمیتی که برای پاکدامنی و حفظ حرمت زنان به‌طور خاص در این موضوع قائل است، تهمت زنا زدن به زنان عقیف را به جلد محکوم کرده (نور: ۲۳) و در صورت عدم اثبات آن، مجازات هشتاد ضربه شلاق و حکم فسق تهمت‌زننده را قرار داده است (نور: ۴). و اما در حوزه روابط زوجیتی برای موقعیت ایراد تهمت زنا به زن از سوی شوهر، به‌طور خاص سازوکاری برای اثبات و ختم جدال تعیین نموده است. به‌طوری که در آیه ششم تا نهم سوره نساء، رأساً بر ایجاد شائبه زانی بودن همسر در مرد توجه نموده و روش لعان^۲ را جهت مواجهه با آن مطرح کرده است؛ روشی که به‌صورت عادلانه دوی زن و مرد اجازه دفاع از حریم خود را می‌دهد و راهی برای خروج از بن‌بست در رابطه زوجیتی در شرایط خاص به‌شمار می‌رود.

د) برای جرایم جنسی افرادی که در رابطه زوجیتی هستند، به‌طور خاص و متمایز از افراد بدون همسر (نور: ۲)، نوع خاصی از مجازات تعیین نموده است. به‌طوری که در مورد مجازات ارتکاب جرم زنا برای زنان شوهردار، مجازات حبس آنها تا فرا



رسیدن زمان مرگ را بیان کرده^۵ که در مقایسه با مجازات زانی بدون همسر (صد ضربه شلاق)، عقاب شدیدتری به‌شمار می‌رود و پیام‌آور قبح افزون‌تر و به‌نوعی، غیرقابل بخشش لغزش جنسی در حالت بودن در رابطه زوجیتی است.

ه) یکی از کارکردهای اصلی رابطه زوجیتی را «محافظة» زوجین از یکدیگر در فرو افتادن در لغزش‌های جنسی دانسته و با به‌کارگیری کنایه «همسران لباس یکدیگر هستند» (بقره: ۱۸۷)، به این تأثیر اشاره کرده است. در تشخیص آنکه گزاره مذکور به حوزه روابط جنسی زن و مرد اشاره دارد، می‌توان به موضوع و محتوای کلی آیه ۱۸۷ سوره بقره رجوع کرد. این آیه مشخصاً در بیان شرایط رابطه جنسی همسران در ماه مبارک رمضان مطرح شده و تأکید کرده است که در صورت اختلال در این رابطه، امکان خیانت افراد بر نفس خویش (تختانون انفسکم) - به جهت لغزش جنسی - افزایش می‌یابد و از این رو همسران به جهت تأثیر بر محافظت یکدیگر از این لغزش، به لباس هم تشبیه شده‌اند.

۳-۲-۵. رابطه مالی

در بیان رابطه مالی زوجین و شرایط آنها، به جهت آنکه مردان را ملزم به پرداخت مخارج زنان به اشکال مختلف مانند نفقه و مهریه نموده است، دستورات اخلاقی مرتبط با آن را نیز بیان کرده است. مانند آنکه:

الف) بر «اصل تناسب» به‌عنوان مبنای بحث از تکالیف محوله به زن و مرد در ارتباط با جنسیت آنها تأکید می‌کند. زن و مرد به تعبیر قرآن کریم از جهات متفاوتی تجهیز شده‌اند و هریک در ویژگی‌هایی خاص، بر دیگری برتری داده شده‌اند «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نساء: ۳۲).^۶

ب) همچنین بر «اصل تناسب» به‌معنای توازن توانایی و تکلیف مرد در خصوص تأمین مالی خانواده تأکید کرده است. در آیه ۲۳۳ بقره پس از بیان حکم «تأمین خوراک و پوشاک خانواده» توسط مردان آورده است: «لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا» و پس از آن در توضیح این قید، بر نهی ایراد ضرر به پدر و مادر به‌واسطه وجود فرزند تأکید کرده است [لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ]. همچنین است در آیه ۷ سوره طلاق. بدیهی است که مفهوم مخالف این تأکید آن است که زنان نیز با وجود حق قطعی دریافت

نفقه، لازم است توانایی مرد را در این خصوص در نظر گیرند. اصل «ساده‌زیستی» که در آیه ۲۸ سوره احزاب خطاب به همسران پیامبر اشاره شده، مؤید این گزاره است. (ج) در پرداخت و دریافت مهریه نیز بر گزاره‌های اخلاقی مختلفی تأکید شده است. مانند: «مهریه، متاع معروف؛ یعنی بهره‌ای شایسته برای زنان باشد» (بقره: ۲۴۱)، «منع بازپس‌گیری مهریه از زنان به فشار و اکراه و منع اجبار زنان به بخشش مهریه خود» (نساء: ۱۹-۲۰)، «پسندیده بودن گذشت زنان از بخشی از مهریه خود» (بقره: ۲۳۷).

۳-۳. تبیین نظام روابط زوجیتی

در تبیین نظام روابط زوجیتی بر اساس کدگذاری آیات قرآن کریم، لازم است بر مفاهیم و مقولات به‌دست آمده به انضمام روابط آنها با یکدیگر که در فحوای آیات مورد اشاره قرار گرفته، توجه کرد. همان گونه که در تفسیر یافته‌ها به‌صورت موردی بررسی شد، برخی از مفاهیم اخلاقی و حقوقی در کنار یکدیگر و در ارتباط باهم مطرح شده‌اند. همچنین یکی از نتایج بررسی صورت‌گرفته آن است که بخشی از احکام صادره، به یکی از زوجین بازمی‌گردد و بخشی دیگر در مورد هر دو فرد مطرح شده که نشان از پذیرش تمایزات جنسیتی در حوزه روابط زوجیتی در گستره حقوق و تکالیف دارد. بر اساس این دو مقدمه، روابط زوجیتی در قرآن کریم برای هر یک از زوجین به تفکیک، با توجه به خطاب‌های آیات نسبت به هر یک، قابل فهم و تبیین است.

در مورد روابط زوجیتی در قرآن کریم با تمرکز بر نقش مرد باید گفت مفهوم محوری در این حالت، «اصل نهی ضرر و تعدی بر زن» می‌باشد که بر حقوق و تکالیف مختلف مردان شامل «حق رابطه جنسی، حق مواجهه با نشوز زوجه، حق طلاق، تکلیف مالی در زندگی زناشویی و در وقت طلاق» حاکمیت دارد. پس از آن تأکید بیشتر بر «اصل معروف» است که در «معاشرت با همسر، استفاده از حق طلاق و پرداخت حقوق مالی زن» مورد توجه جدی قرار گرفته است؛ به این معنا که در خطابات قرآن به مردان در ارتباط با همسر، بیشترین تأکید بر آن است که مرد به‌واسطه احقاق حق خود و حتی انجام تکالیف محوله به وی، دو قید «ضرر نرساندن» و «به نیکی عمل کردن» را باید پذیرفته و به‌کار بندد. اینکه مصادیق این ضرر کدام‌اند، در حوزه‌های مختلف باید متفاوت دانست. برای مثال اگر به مرد حق برخورداری جنسی از همسر داده شده، صرفاً در چهارچوب سلامت زن و به‌دور از هر گونه آزار و ضرر روحی و جسمی به وی



لازم است استیفا شود. یا آنکه در بحث تکالیف مالی مرد در خانواده که از یک سو تقسیم کار مبتنی بر جنسیت از آن ناشی می‌شود و از سوی دیگر، بیشترین تکالیف زوج در قبال زوجه را دربر دارد، رعایت شأن، کرامت و نیاز زن در پرداخت نفقه باید مورد لحاظ واقع شود.

و اما در نظام روابط زوجیتی قرآن کریم با تمرکز بر نقش زن، بیشتر بر دو اصل «پاکدامنی» و «گذشت» توجه شده است. پاکدامنی زنان در ارتباط با سخن گفتن با مردان و در بحث از جرایم جنسی مورد تأکید آیات قرار گرفته است. اصل گذشت نیز در ارتباط با حقوق مالی زن مانند مهریه و نیز در مواجهه با نشوز زوج مطرح شده است. به عبارتی، از یک سو مردان به تأمین مالی زن مبتنی بر دو اصل معروف و نهی ضرر مکلف شده‌اند و از سوی دیگر، مطلوبیت گذشت از سوی زنان در مطالبه حقوق مالی خود و مواجهه با نشوز زوج، یعنی سرپیچی یا عدم توان وی در تکالیف مالی مورد تأکید قرار گرفته است.

در مقایسه دو مدل روابط زوجیتی با تمرکز بر نقش مرد و زن می‌توان نتیجه گرفت که الگوی قرآن کریم در خطاب به دو جنس مرد و زن در این حوزه، متفاوت و وابسته به حقوق و تکالیفی است که برای هر یک از آنها پیش‌بینی نموده است؛ به طوری که دو اصل «نهی ضرر» و «معروف» که در الگوی مردانه به شدت مورد نظر بود، در هیچ آیه‌ای، خطاب به زنان بیان نشده است. همچنین مقایسه دو مدل نشان می‌دهد که گستره حقوق و تکالیف مردان و نیز اصول اخلاقی خطاب به آنها به طور قابل توجهی از میزان پیچیدگی افزون‌تری نسبت به زنان برخوردار است که عمدتاً به دو قضیه «حق طلاق» و «تکلیف تأمین مالی زنان» بازمی‌گردد.

نتیجه‌گیری

از بررسی آیات قرآن کریم در موضوع روابط زوجیتی نتایج اصلی زیر حاصل شد:

- ۱- رابطه حقوق و اخلاق در حوزه روابط زوجیتی در دیدگاه اسلام، رابطه‌ای چندجانبه و به صورت چرخه‌ای است؛ چرا که در موقعیت‌های مختلف از یک سو اصول اخلاقی را حاکم بر حقوق و تکالیف آورده و از سوی دیگر، با سازوکارهای حقوقی در تضمین اصول اخلاقی اقدام نموده است.

۲- باوجود آنکه بر هر دو بال «تعیین حقوق و تکالیف» و «اصول اخلاقی» به صورت جدی نظر دارد، وجه غالب را در روابط زوجیتی بر مسائل اخلاقی نهاده است.

۳- در نگرش اسلامی، گزاره برابری جنسیتی در روابط زوجیتی، مردود است؛ چرا که در آیات قرآن کریم به صورت روشن و غیرقابل خدشه‌ای، به نقش‌های متفاوت و خاص زن و مرد در حوزه روابط خانوادگی نظر دارد.

۴- بیشترین خطابات قرآنی در حوزه روابط زوجیتی، به مردان صورت گرفته است؛ به طوری که با تفویض دو حق اساسی «سرپرستی خانواده» و «حق طلاق»، تکالیف افزون‌تر و نیز رعایت اصول اخلاقی بیشتری را از آنها مطالبه نموده است.

۵- تأکید مؤکد بر «اصل معروف» در خطاب به مردان، به وضوح نشان از عدم کفایت حقوق و تکالیف به تنهایی، در تحقق هدف تشکیل خانواده یعنی تأمین آرامش و مودت میان زوجین دارد. همچنین اصل اساسی «عدم جواز سوء استفاده از حق»، از جمله اصولی است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی در ساماندهی روابط اجتماعی و خانوادگی مورد تأکید قرار گرفته و نظام حقوقی خانواده در اسلام، با ارائه اصل معروف در کنار بیان حقوق و تکالیف، به پیشگیری وقوع سوء استفاده از حق در خانواده اقدام نموده است.

۶- نظام روابط زوجیتی در قرآن کریم به دلیل توجه به شؤون و ابعاد مختلف این رابطه، از جامعیت برخوردار است؛ به طوری که لایه‌های متفاوت روابط زوجین اعم از روابط جنسی، مالی و عاطفی در این نظام، به دقت مورد توجه قرار گرفته و به جامع‌نگری آن انجامیده است.

۷- نظام روابط زوجیتی در اسلام، در راستای تبلور ارزش غایی «آرامش و سکون»، جنسیت را یک ابزار دانسته و با تجویز حقوق و تکالیف متفاوت برای هر یک از زوجین، تحقق رابطه مکملی، به معنای کامل‌کنندگی هر یک از دو جنس توسط دیگری را، هدف خود قرار داده است. این نگاه به زن و مرد مبین حاکمیت ویژگی «واقع‌نگری» بر نگرش اسلام در حوزه روابط خانوادگی و اجتماعی انسان‌هاست. در این نظام، بر مبنای واقعیات وجودی افراد، اقدام به تعیین حقوق و تکالیف شده و روابط زوجیتی با هدف نیل به اهداف تأمین سلامت جنسی، دستیابی به آرامش و برخورداری از مودت و رحمت در خانواده شکل می‌گیرد. تحقق اهداف به واسطه تأمین مالی زن به صورت



همه‌جانبه و مبتنی بر اصل معروف و ایجاد زمینه و فرصت لازم برای وی جهت محافظت از ارکان خانواده و تولید و تربیت نسل کاملاً امکان‌پذیر است.

پی‌نوشت‌ها

۱- شیخ طوسی بر اصل تک‌همسری ادعای اجماع نموده و چنین مرقوم می‌دارد: «يجوز للرجل أن يتزوج أربعا بلا خلاف و المستحب أن يقتصر على واحدة» (طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۶)؛ «هر مردی می‌تواند تا چهار زن اختیار کند و در این مطلب هیچ اختلافی میان علما وجود ندارد، و لکن مستحب آن است به یک زوجه اکتفا نماید.» «يجوز للرجل أن يتزوج أربعا بلا خلاف، والاستحباب أن لا يزيد على من يعلم أن لا يقوم بها. و قال جميع الفقهاء: المستحب الاقتصار على واحدة» (همو، ۱۴۰۷: ۱۱۱/۵)؛ «هر مردی می‌تواند تا چهار زن اختیار کند و در این مطلب هیچ اختلافی میان علما وجود ندارد و مستحب است که در تعداد زوجات از عددی که می‌داند توان اداره آنها را ندارد تعدی نکند. و همچنین همه فقها بر این نظرند که مستحب است به یک زوجه اکتفا شود.»

۲- واژه «معروف» شامل هر فعلی است که توسط عقل یا شرع به نیکی شناخته شده باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۶۱/۱)

۳- برای مطالعه بیشتر در خصوص شرایط اِعمال هر یک از این مراحل، ر.ک: شاکری گلپایگانی و کاردوانی، ۱۳۹۳.

۴- در روش لعان، مردی که به همسر خود تهمت زنا وارد کرده و شاهدی جز خود ندارد و نیز زن در دفاع از خویش در برابر این تهمت و برداشته شدن حد از وی، در پنج مرحله سوگند یاد می‌کنند که از راستگویان هستند (نور: ۶-۹). این روش دارای آثاری است که از مهم‌ترین آن، گسسته شدن پیوند زناشویی و حرمت ابدی این زن و مرد بر یکدیگر است.

۵- به اذعان محققان حکم «حبس ابد» برای زنای زنان شوهردار یک حکم موقت بوده و بر اساس سیره قولی و عملی معصومان؛ این حکم در گذر زمان به حکم «سنگسار» تبدیل شده است. همچنین این حکم باوجود آنکه مستند قرآنی ندارد، به استناد دیگر مستندات غیرقابل انکار فقهی، برای مردان ازدواج کرده نیز مطرح شده است. (ر.ک: کدخدایی: ۱۳۹۰)

۶- این در حالی است که در زبان قرآن، «جنسیت» بالذات به‌عنوان یک امر برتری‌بخش پذیرفته نشده است. «جنسیت» در نظام ارزشی اسلام، مانند دیگر ویژگی‌های عارضی مانند سفیدپوستی و سیاه‌پوستی، عربیت و عجمیت، غنی بودن و فقیر بودن، بردگی و مولایی است و بالذات موجب برتری فردی بر فرد دیگر نیست. در این راستا در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله

گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.» در آیاتی دیگر نیز جنسیت فرع بر اصل ایمان و در راستای انجام عمل صالح برشمرده شده است. مانند آیه ۹۷ سوره نحل: «هر کس از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.»

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمدبن مكرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، بیروت: نشر ادب الحوزه.
۳. بهره‌مند، مهدی (۱۳۹۴)، «نقشه از دیدگاه قرآن و روایات»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۲۳، ص ۱۱۹-۱۳۱.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم.
۵. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۵)، «نقش عوامل عاطفی - روانی در تحکیم خانواده از منظر آیات و روایات با رویکرد سبک زندگی اسلامی»، پژوهشنامه سبک زندگی، شماره ۳، ص ۴۵-۶۴.
۶. سلیمی، الهه و همکاران (۱۳۹۶)، «مقایسه عملکرد خانواده از دیدگاه قرآن (آیه ۲۱ سوره روم) در میان زنان متقاضی طلاق و زنان غیرمتقاضی شهر اراک»، فصلنامه روان‌شناسی و دین، شماره ۳۷، ص ۶۵-۸۴.
۷. شاکری گلپایگانی، طوبی و راحله کاردوانی (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی - حقوقی گستره نشوز زوجین و شیوه مواجهه با آن»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۶، شماره ۶۶، ص ۱۵۹-۲۰۵.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط، تصحیح: محمدباقر بهبودی، تهران: المكتبة المرتضوية.
۱۰. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، تصحیح: جمعی از محققین، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۱. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مكتبة الاعلام الاسلامی.
۱۲. العبدلخانی، ساجده (۱۳۹۵)، «سبک زندگی خانواده برتر از منظر قرآن کریم»، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۵۸، ص ۲۳-۴۰.
۱۳. عبدخدایی، محمدهادی (۱۳۹۵)، «مدیریت خانواده در قرآن»، فصلنامه مشکات، شماره ۱۳۱، ص ۱۲-۳۲.
۱۴. علیمرادی پور روغنی، مهناز (۱۳۹۴)، جواز تعدد زوجات در فقه و حقوق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.



۱۵. قاسمی طوسی، محمد اسماعیل (۱۳۹۵)، «تأملات اخلاقی - تربیتی پایداری خانواده مبتنی بر آیات و روایات متناظر»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه اخلاق، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۷-۲۶.
۱۶. کاویانی، محمد (۱۳۹۶)، «سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه قرآن و مدرنیته»، دوفصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۲۴، ص ۴۹-۷۲.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. محمص، مرضیه (۱۳۹۴)، «نگره قرآن کریم به خویشتنداری در رفتارهای خانوادگی»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۲۳، ص ۳۵-۵۷.
۱۹. محمد خلیفه، عبداللطیف (۱۳۸۷)، بررسی روان شناختی تحول ارزش‌ها، ترجمه سید حسن سعیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۰. محمدی، بیوک (۱۳۸۷)، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۲۲. موسایی پور، محبوبه (۱۳۹۵)، «مبانی اخلاقی رفتار همسران مسلمان از منظر قرآن (با نگاهی به مباحث روان شناسی مرتبط)»، فصلنامه اخلاق، سال ششم، شماره ۲، ص ۹-۴۱.
۲۳. نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۷)، «تعهد به اجرای عدالت بین همسران: التزام حقوقی یا اخلاقی»، فصلنامه خانواده پژوهی، سال چهارم، ص ۴۳-۵۵۱.
24. Braun, Virginia & Victoria Clarke (2006), "Using Thematic Analysis in Psychology", *Journal of Qualitative Research in Psychology*, 3 (2): 77-101, Available from: <http://eprints.uwe.ac.uk/11735>.